

بسم الله الرحمن الرحيم

(مقایسه مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی)

چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از ابعاد مهم فرهنگ سیاسی مورد توجه دانشمندان جامعه شناسی سیاسی بوده است. طبعاً این مفهوم در کشورهای مختلف به گونه‌های مختلفی درک شده است. اما فصل مشترک این برداشت‌ها، مشارکت سیاسی در انتخابات و نیز کیفیت و نحوه برگزاری آن در این کشورها بوده است.

علی‌رغم کاربرد زیاد واژه مشارکت سیاسی، تعریف منسجم و یکسانی از آن صورت نگرفته است. یکی از تعاریفی که امروزه در مجامع علمی برای این واژه به کار برده می‌شود توسط لوسین پای ارائه شده است. وی می‌گوید: مشارکت سیاسی یعنی هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی یا مستمر که برای تأثیرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی (محلی یا ملی)، روش‌های قانونی یا غیرقانونی را به کارگیرد. امروزه انتخابات به عنوان نماد عینی مشارکت سیاسی است. انتخابات سهم مردم را در حاکمیت تعیین و محقق می‌سازد و به ویژه در نظام‌های سیاسی دموکراتیک یا مردم‌سالار، در رأس همه امور قرار می‌گیرد. شاید بتوان گفت که اهمیت و اعتبار امر انتخابات در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، یک وجه دیگر هم دارد و آن اینکه، چنان مشروعیتی، به سازمان، محتوا و رفتار سیاسی جامعه می‌بخشد که قابل مقایسه با مصادر قبلی مشروعیت سیاسی نیست. در نظام‌های دموکراتیک مردم خود مسوول آینده خویش می‌گردند و نه تنها مصدر بروز رخدادهای اساسی هستند، بلکه مرجع نتیجه آنها نیز تلقی می‌شوند. در جامعه سیاسی ایران که حدود یک‌صدسال از حضور رسمی و قانونی مردم در تعیین سرنوشت سیاسی جامعه می‌گذرد، فراز و نشیب‌های فراوانی به چشم می‌خورد. مردم ایران برای اولین بار در واقعه تحریم تنباکو، به طور فراگیر وارد صحنه تصمیمات سیاسی شدند و پس از آن در انقلاب مشروطیت این حق نادیده انگاشته شده خود را تثبیت کرده و قانونمند ساختند. اما حضور مردم در جریان تصمیم‌گیریهای سیاسی در برهه‌های گوناگون تاریخ معاصر ایران، متناوب و متغیر بوده است. در این مجال ابتدا به ساختار و مشارکت سیاسی در دوره پهلوی اول اشاره می‌کنیم و با مستندات تاریخی نشان می‌دهیم که طی دوران سلطنت رضاشاه، ایران شاهد هشت دوره انتخابات مجلس شورای ملی بود که دوره‌های ششم تا سیزدهم را شامل می‌شد. طی این شانزده سال، نتایج انتخابات و ترکیب هر مجلس را حکومت پهلوی اول تعیین می‌کرد. به عبارتی بهتر، انتخابات در دوره رضاخان به معنای واقعی مهندسی می‌شد. سپس به دوران پهلوی دوم اشاره کرده و نشان می‌دهیم که هر چند فضای خفقان کمتر شد و احزاب و گروه‌های مختلفی نیز در ایران برای اولین بار شکل گرفت اما به دلیل ساختار اقتدارگرایانه قدرت در این دوره و ناآگاهی و عدم رشد سیاسی مردم ایران، مشاهده می‌شود که انتخابات و فعالیت احزاب در این دوره نیز فرمایشی می‌باشد.

در نهایت نیز به مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی از جهت گسترش احزاب، تنوع انتخابات و حضور مردم اشاره می‌کنیم.